

۴۸۸  
 المنستی واحشره مع الملاء الاعلی واسقه كأس اللقاء وقد رکل خیر  
 لمن یزور رسه الطاهر الیک الشذا واجب دعاء من یدعوک فی بقعة  
 روضته الغناء انک انت الکریم الرحیم العظیم الوفاء وانک انت  
 الرحمن یرتبی الاله علی ع ع سمانه

هو الابی

جناب افان حضرت آقا میرزا آقا علیه بہاء اللہ الابی ملاحظہ یسند

هو الابی

۵۲۱

رب مولائی وسیدی و منائی انت رجائی وانت بہائی فضک غیائی  
 آتالی و جودک اعظم سؤالی ذکرک سراجی وشوقک سبیی ومنہاجی  
 جنک روحی وفیضک فتوحی عرفانک ایمانی و افانک سلواتی و اطمینانی  
 اسلک بموہبتک التی خضرت بہا کل الاشجار و اثرت بہا کل حدائق البجان  
 و اتمشت بہا کل ریاض و اہترت و رببت و انبت کل غیاض بانجیل  
 ہذا الفرع خضلاً لفضلاً محضراً رباناً مؤلفاً فی اکیہ قدس فردانیک و روضہ  
 انس رحمانیک حتی تہتر الالبصار و تحیر الافکار و تنقص الالطاف نضارتہ و لطافہ

۴۸۹  
و طراوت انک انت المقدر المتصرف المعطى بجواد الکريم ع ع ...

هو الابی

حضرت فرع شجره مبارکه جناب حاجی میرزا محمد علی علیه بها الله

الابی ملاحظه نمایند

هو الابی

۵۳۳

هو الابی

اینها الفرع الجلیل من البدره الرحمانیه چدر وزی پیش مکتوبی ارسال شد  
و حال چون قلب و روح بنفحات روحانی محبت اجبای الهی سستبشر خاصه  
و مداد حاضر نموده و بذكر آن محبوب فواد مشغول گردیدم و از الطاف خفیه  
سلطان احدیه امید و اریم که آن فرع مبارک شجره رخمانیه در جمیع احوال  
بنفحات قدس رحمن بهتر و زنده و تروتازه باشد و بنسائم ریاض  
جمال و انفس طیب فردوس یزدان مستبشر و مفرح گردند در مدینه عشق  
آباد ابراهیم مشهور و واضح و باهر و هیچ وجه سترو حجابی در میان نه حضرت  
در آنجا در بیت اعظم اساس مشرق الاذکارى نهادند و تا تمام گذشتند حال  
جمع طوائف سائره در آنجا حتی بعضی اجراء حکومت سؤال و استفسار مینمایند

که چرا

که چنانچه تمام گذاشته اند و بعضی شکل بر عجز این طائفه نموده اند که تا بحال قدرت  
بنای یک مشرق الاذکار ندارند چه که در آن مدینه تقیه نماز که مدار اعتذار باشد  
و از قضا معذاری که تعمیر شده آن نیز بر قواعد و اصول مشرق الاذکار بنا گشته اند  
نقشه آن در اینجا کشیده شد که در هر جا بخواهند که بنا کنند بر این منوال  
تأسیس نمایند حال مقصد اینست که از آنحضرت در این خصوص شورت  
گردد که چه قسم مصلحت میدانند و نقشه نیز ارسال میشود این نقشه  
نه باب نه خیابان و نه باغچه و نه حوض و نه ضلع و نه عمود و نه رکن و نه  
غلامگردش و نه رواق از داخل است که جمعاً نه اندر نه است که ترتیب  
روضة مطهره خواهد بود حال چون اسباب میان مقصد اینست که  
محتلی در ارض اعظم عبارت از نه رکن در وسط ارض بنا شود من بعد

بمقتضای وقت و اسباب امکان گردد

و آن بنا که از پیش شده در کناره واقع بآن

بسیچ وجه تعرض نشود بر حال خود باقی

ماذ و البهآ علیک ع ع

ش حضرت افغان سدره رحمانیه جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله

الا به ملاحظه نمایند

هو الا بهی

۵۲۳

خط مبارک

اینا الفرع الرفیع من السدرۃ المبارکہ چند سیت کہ خبری از آن فرع رفیع  
نرسیده و نفخه معطری به شام مشتاقان نرسیده از الطاف خفیه و غایات  
جلیلہ ملکوت ابی امید و اریم کہ در جمیع امور مؤید بتائیدات غیبیہ آنہ  
گردید و سبب نشر نفحات رحمانیہ جناب عند لیب علیہ بہاء ربہ اعلیٰ  
بیایا، و ضراء، و اضرار متعدّدہ مبتلا شدند و از ہر جهت دستگی و دستگی  
بجہتشان فراہم آمدہ است ملاحظہ ایشان از ہر جهت لازم و واجب  
لہذا اگر چنانچہ از حقوق چیزی نزد آنحضرت حاضر گردد مبلغ ہشتاد تومان تقدیم

جناب عند لیب

فہ ما ئید

ع ع مودہ

حضرت افغان دوحه بقا جناب میرزا اقا علیه بآء الله صلی ملاحظه نمایند

هو الابهی  
۵۲۴

اینا الفرع الکریم من الشجرة المبارکة چون در این ایام سیل شدید در نیریز شده  
واهل و عیال جناب حاجی میرزا حسین علیه بآء الله الابهی آنچه داشته کل  
معدوم و مفقود گشته در نهایت درجه مشتقتند لہذا اگر از حقوق چیزی نزد  
آنجاب موجود مبلغ سی تومان بعیال جناب مشارالیه و سی تومان بجناب  
آقا میرزا احمد علی کہ در نیریز است بہر وسیدہ کہ ممکن باشد برسانید و اگر کیفیت  
سبب حصول رضای جمال مبارک روحی لا حیا کہ فداست و البہا  
علیک ع ع ع متابعہ

هو الابهی

حضرت افغان سدرہ فتنی جناب آقا میرزا اقا علیه بآء الله صلی

ملاحظه نمایند

۵۲۵

اینا الفرع الرفع من الدرۃ المبارکة مکاتیب متعدّدہ  
هو الابهی

۴۹۳

ارسال گشت و حال نیز بدگرو شما مثنوی لیم ملاحظه بفرمائید که قلب در چه  
 مقام ازوله و انجذاب است که صد هزار مشاغل و متاعب و موانع  
 و مصائب دقیقه فی این قلب و روح را از یاد و ذکر اقبال و حقیقت  
 مانع و حائل نگردد پس چون موج این بحر عبودیت و قنای ساحت  
 کبریا، بآن سواصل و شواطی طایفه عطاش رسد دامن طلب و اشتیاق  
 را از لئالی انجذاب مملو فرما و بتجید و توحید و تسبیح و تقدیس جاهل  
 قدم و اسم اعظم روحی و مالک فی سبیل احبائه فدایان گشت  
 که این چه لطف عمیم و فضل عظیم است که هیاهو فضا را مظاهر انوار بقا  
 فرمودی و نفوس مسکین را در ظل سدره منتهی مأوی دادی علیلا  
 را در مان غایت مبذول داشتی و در ماندگان را مرهم فضل و رحمت  
 حسان کردی بال و پر شکستگان را جراح قوت دادی و موران را  
 بر تخت سیمانی نشاندی مانده ضعیفیم و بنهایت نحیف و حقیر  
 عبد البهاء ع

چون لطف و رأفت شما در حق دوستان ثبوت و مستلک لئال از  
 حق

حق میطلبیم که شمار در جمیع شئون موافق فرماید حتی در تحصیل حقوق جناب  
 در ویش از برادر بیروت و کیش و این عمل را اجر جزیل در پی  
 و البهائیک ایها الفرع العزیز عبدالبهائیک مع ثناء

هو الاهی

حضرت افغان الشجرة الرحمانية جناب حاجی میرزا محمد علی علیه  
 بهاء الله الاهی ملاحظه نمایند

هو الاهی

۵۲۹

خط مبارک

الهی هذا فرع من فروع سدرۃ رحمتک و دوحۃ من حدائق  
 کلمۃ وحدانیتک و سراج موقد ملتب باثار المتسرة فی شجرة فردانیتک  
 ای رب قد قضی الایام و هو متقبل الیک و سر اللیالی و هو متضرع بین یک  
 و یقظ فی الاسحار و هو متسل الی ملکوتک متوکلاً علیک کم هو ناجاک فی  
 جنح الظلام و کم هو ناداک فی خلوات اللیالی و الایام راجیان تحفظه  
 من سهام التشبهات و تثبت قدمه علی صراطک القویم و منهجک المستقیم  
 باریات البهارات و وضوح البشارات ای رب انه آوی الی کف



۴۹۵  
 عونک و عنایتک و التجا الی جوار صونک و حمایتک و لازم بحسن حفظک  
 و کلائتک ایرت احرسه بخود غیبک و ملائکتک و لاطنه بعین رعایتک  
 و صیانتک و احی قلبه منقحات قدسک و اشرح صدره بروحات انک  
 و انش نواده بنائیم تقدیک و نور وجه بانوار توحیدک و اقر عینه  
 بشاۃ آثار تائیدک و ابلغ علیه نعمتک و اشد به خطات طرف عنایتک  
 و افتح علیه ابواب برکتک و اجده منظر آیات رحمتک بین بریتک انک  
 انت المقدر المتعالی الغریز الکریم ع ع سفینه

هو الابی

۵۲۷

حضرت  
 جناب افان میرزا اقا علیه بهاء الله الابی و جناب حاجی میرزا علی  
 افان علیه بهاء الله الابی جناب حاجی غلامحسین خان علیه  
 علیه بهاء الله الابی جناب فاضل علیه بهاء الله الابی جناب  
 اقا میرزا محمد باقر علیه بهاء الله الابی جناب اقا میرزا بزرگ علیه بهاء الله  
 الابی جناب اقا سید محمد علی علیه بهاء الله الابی اگر چه شمس حقیقت  
 بین هر بنام غیبت مجتلی لکن چون بچشم بینا نگری و گوش شنوا بشنوی قلب  
 آکا.



آگاه بیدیشی انوار نیر اعظم شدید تر شد و شعاع سراج الهی روشنتر بجز  
اعظم کبریا امواجش عظیمتر گشت و فیوضات سما، رحمن قویتر و ظاهرتر  
چه که تا بحال غمام هیکل بشری مانع مشاهده آفتاب حقیقت بود حال آن  
بدرغیر و آفتاب فلک اشیر از افق اعلی و ملکوت ابی فی الحقیقه مقدس  
از جمیع شئون طالع و لائحست و زکیم من افق الاهی و نصیر من قام  
علی نصره امری بجنود من الملائکة الاعلی و قبیل من الملائکة المقربین نقص  
قاطع چنانچه در ظهور مظاهر احدیه من قبل مشهور و واضح گشت که بعد  
از صعود و عروج عظمت امر الله مشهور و سلطنت کلمه الله معلوم و  
واضح گشت مثلاً در کور روح بعد از عروج معدودی قلیل و بحسب  
ظاهر عدیدی ذلیل بودند چون این نفوس ضعیفه باستقامت کبری  
قیام نمودند از تائید و توفیق الهی و فیوضات روح القدس معنوی  
از مشرق امکان چنان طالع و لائح گشتند که انوار سرمدیه اش آفاق  
جهان فانی و جهان باقیرار و شن و غیر بنماید البدار البدار یا اجاء الله  
و امناء الی هذا الفضل الاعظم الوحی الوحی یا خیرة الخلق و صفوهم

۴۹۷  
الی هذا المقام المتعالی المنفهم ع ع رتبه

هو الاهی

۵۲۸

اینها الفرع المبارک من سدرۃ المنتقی نورانته و جهک بالانوار الساطعه  
من ملکوت الاهی اگرچه خزان اخراست و خریف اشجان  
وقت ناله و فغانست و هنگام طوفان چشم گریان با وجود این عنایب  
و فایکونه آغاز راز و نیاز کند و نغمه و آوازی برآرد که قلوب را تسلی بخشد  
و نفوس را سکون و قراری و ارواح را شکیب و اضطباری ارزانی کند  
و لکن چون غایات سلطان احدیت و مواهب و فیوضات حضرت <sup>نبوت</sup> رجا  
در جمیع شئون شامل آن افقون شجره مبارکه بوده و هست و انواردهی از  
افق الاهی ساطع و لامع و فیض حقیقی و تأیید الاهی از ملکوت اعلی متابع  
باید بشکرانده این نعمت عظمی و غایت الاهی دست تایش برافراخت و زبان  
نیش گشود و بمجاده و نفوت الهیه در مابین برتیه مشغول گشت تا آنافان این  
تأیید ترید یابد و این فیض تمدید شود اجای الاهی را جمیعاً یعنی هر کس که در  
انجاست بتکیر ابدع الاهی مدکریم و البهآء علیک ایها الفرع المبارک العظیم

هو الاهی

هند حضرت افغان سدره مبارکه جناب حاجی میرزا محمد علی علیه

بنا، الله الاهی ملاحظه فرمایند

هو الاهی

۵۳۹

خط مبارک

اینها الفرع الجلیل من السدره المبارکه قلب مشتاقان طالب و مائل که در هر

ساعتی و رقی نگارد و در هر دمی رقی زند مراتب اشتیاق را بیانی کند و انجا

دل و جان را شرح و تشریح نماید لکن فرصتی دست نهد و زمان کفایت

نکند یک نقطه است الواح و زبری تفصیل و تفسیر در هر آن لازم و یک

جذوه است صد هزار شعله در هر دمی واجب در هر دقیقه این معین مداد

اگر چون بحر محیط امواجی چون جبال زند کفایت نکند و در هر نفسی این خاصه

اگر چون سیل عرم فیضان نماید از عمده بر نیاید مقصد اینست اگر فرصتی بود

در هر طرقة العین کتاب مبینی ارسال میشد اما فی الحقیقه در عوالم روح

و فؤاد در جمیع اوقات مکاتبات و مخبرات مستدام و برقرار است نور

ابد نیست و در کل حین و آن بجاں عمر و ابتهال بملکوت ابی تضرع  
 و نیاز میشود که آن فرع رفیع باوراق تأیید و ازمار توفیق و اثمار تجرید  
 و رواج توحید مؤید شوند و از افق این کوراعظم بانوار ساطعه ثبوت  
 و رسوخ و قیام بر خدمت امرالله چنان مشرق و لامع گردند که آفاق  
 اکوان را روشن نماید رب ابدیه بتایید انک و وفقه بتوفیق انک انک  
 انت الکریم الرحیم ع ع سفا بده

حضرت افغان سدرۃ البیتہ جناب حاجی میرزا محمد علی علیہ السلام  
الہی ہے ملاحظہ فرمائیں

ہو الہی

05.

۸ ایها الفزع الجلیل من التدرۃ المنستی . علیک بہاء اللہ و شائہ و نورہ  
و ضیاء و فضلہ و جودہ و نوالہ در این وقت کہ ہوت بہ قلب از حقیف سدرہ  
مفتی در اہتر از است و حقیقت روح از نفی ت ملکوت ابی در نہایت انجذاب  
چشم از مشاہدہ آیات کبری روشن و جان و وجدان بیدار آن شاخ بزرگوار  
سدرہ

سدره رحمانیت گلزار و گلشن این عبد خامه برداشته که نامه نگارد و آنچه  
 در حقیقت فؤاد مودوع و مستقر است بیان نماید و حال آنکه قلم و مداد از  
 عهده بیان اشواق قلب و فؤاد بر نیاید و صفحه و اوراق حقیقت ایجان  
 دل و جازا نگنجد بلکه جوهر تبیان این موهبت رحمن منوط بفیض روحانی  
 و ارتباط مغنویت که در سر وجود مودوع و مستور است رب و سلطان  
 و مولای و رحمانی هذا فرع جلیل من سدره رحمانیک و فن رفیع من  
 شجرة وحدانیتک اشمه لمحطات عین غایتک و ارسل الیه فی کل حین  
 نائم ریاض احدیتک و ادر علیه غمام فیض صدایتک و اتق علیه شعاع  
 شمس حقیقتک حتی یخضر باوراق الطافک و یزهر بازمار احسانک و یشیر  
 باثمار عرفانک و ینشأ فی ریاض آثارک و یمتد الی سماء جودک و اکر امک  
 ای رب خصه بآیات فضلک و عطاؤک و ایده بمظاهر الطافک و انعامک  
 و انصره یجود ملکوتک و انجده بملائکة قدسک و اجعله آیه باهرة فی ملک  
 و رایة متدفقة فی اعلی الالام بین عبادک و نور وجهه بانوار تو حیدک  
 و اشرح صدره باسرار تفریدک و اسمعه من نعمات طیور القدس من جبروت

تقدیسک و اجدہ مظہر نورک و مقتباً من نار طورک و اثر ظہورک و نفحہ  
ریاضک و ہریتہ میاہ حیاضک و ایتہ فیضک و فضلك لعیادک الہک  
انت المعطی الکریم الوتّاب عبدالبہاء ع

ہو الابی

قاب فقرہ کہ از صنایع بدیعہ چین و بچیت و ضعیف اثر شامل جمال انوربو  
بواسطہ جناب حاجی سید جواد علیہ بہاء اللہ الابی رسید و بانوار سطعہ  
از شامل مقدسہ مزین گردید و در حین زیارت بیاد آنجناب مشغول می‌شویم  
فی الحقیقہ آنحضرت موافق باین موابت شدہ اند کہ قاب موجود دوتابہ  
شامل مبارکہ جمال قدم و یکی بشامل مبارکہ حضرت اعلیٰ روحی لا تجاہم  
القدامشرف شدہ اند و ہر سہ رسالہ آنحضرتند لعمركہ ہذا فضل عظیم وجود  
مبین و البہاء علیک عبدالبہاء ع

ہو الابی

حضرت افغان سدرہ فنتی جناب حاجی میرزا محمد علی علیہ بہاء اللہ  
الابی



یا الی ورجائی تعلم ستری وعلانی و خفائی و جہاری و تعرف مبلغ حتی و شغف  
 و ذی بفرع سدرۃ فردائیک و اقنون شجرۃ وحدائیک و فضیله روحہ و حظائیک  
 ای رب طیب منبتہ بصیب الطافک و رطب اوراقہ بفیض سحاب  
 احسانک و اجلدہ مورقاً بمطار ربیع اکرامک و مزہراً بنسائم جنتہ عنایتک  
 وثمراتی فردوس قدس و قانقار ایتب عطر الآفاق بفوحات ریاض قلبہ  
 و نور الارحاء بسطوع شعاع شوقہ و اشعل الافئدة من النار الموقدة التي  
 اشتدت لواءها من نيران محبتک و ارح الارواح من استماع نداء  
 الذی ار تفع من عشقک و شوقک ایتب ادم علیہ النعمک و تتم علیہ نعمک  
 و آلائک انک انت الکریم البواد الرحیم ع ع

هو الابی

در خصوص مشرق الادکار جواب مرقوم فرموده بود بسیار مقبول انشاء الله  
 بهین قسم مجری میشود و از فضل و غایت جمال قدم روحی لثراب تربتہ خدا  
 امیدوارم کہ در جمیع امور مؤید و موافق گردید و ابواب کمل خیر بر وجه آن جناب



مفتوح گردد و البها، علیک و علی کل ثابت راسخ علی میثاق الله

ع ع سفینه

هو الاهی

حضرت افان سدره مبارکه الهیه جناب حاجی میرزا محمد علی علیه بھاء

الاهی ملا خطه فرما یند

هو الاهی

۵۳۳

ابتدا الفرع المجید من الشجرة المباركة انما طقة فی سدره التینا علیک بھاء

و ثناء و فضله و جوده و احسانه حضرت افان کبیر فرع جلیل علیه بھاء

ربه العظیم و محبوبه الکریم از این ظلمتکده فراق بخلوتگاه محبوب آفاق

صعود فرمودند و بختهای شوق رب ادرکنی گویان بملکوت اسی و

افق اعلی شتافتند آن منجذب الی الله از بدایت نشئت بچه

فضل و موهبتی موفق و مؤید شدند و بچه خلعتی مخلع گشتند از اشراف

اعراق بودند و با کل اخلاق مشهود شدند از سن طفولیت و بدو

صباوت منجذب ملکوت اعلی بودند و متوجه جبروت اسمی و چون

نشو

نشو و نما نمودند در تحصیل علوم و حکم کوشیدند و جام عرفان  
 را ازید ساقی غایت چشیدند و چون انوار صبح الهی بفیض آفتاب  
 آفاق اکوانرا منور نمود و نفحات قدس مشام مشتاقانرا معطر کرد  
 چشمن روشن نمودند و جلال گلشن کردند اقباس انوار اثرگاه  
 الهی نمودند و اکتاب فیض آفتابهای از غمام رحمانی و چون  
 شمس قدم از افق اسم اعظم طالع و لایح گردید چون نجم  
 بازغ باز استفاضة انوار از آن نیز بزرگوار نمودند و بنور هدایت  
 در بقعه سینا، متدی شدند فرع جلیل این سدره مبارکه شدند  
 و افنون ز فیج این دوحه مقدسه سائق توفیق و دلیل موافقت  
 رب کریم در آفاق گردانند تا آنکه در ظل جمال قدم و پناه اسم  
 اعظم روحی لاجبانه فدا منزل و مأوی غنایت فرمود مدتی از  
 عمر را در جوار جمال مبین و سایه حسن حصین بسر بردند و مظهر لطافت  
 جلیله و غنایات عظیمه و احسانات متتابعه بودند و چون زلزله  
 بر ازگان وجود افتاد و کینه نت اکوان و امکان از فراق

جمال رحمن بگذاخت و این جهان سرور خلمسکده غنوم گشت و  
 این گلشن از بار گلشن آتشبار گشت ارکان حقائق نفوس متدنه  
 متلاشی شد و بنیان حیات ذوات منجذبه مدوم گشت صبر نماند و قرار  
 بباد رفت از آن ایام حضرت افغان عاقل دگرگون شد و شدت  
 حرقش آناً فاناً افزون گشت تا آنکه فی الحقیقه مدتی بود مدهوش و بیوش  
 بودند تا آنکه در این ایام پراشتیاق باز نمودند و بر رفیق اعلی و رفیق  
 ابهی پرواز نمودند و در آن گلشن تقدیس در سدره منتهی آشیانه ساختند  
 و در جوار رحمت کبری منزل و مأوی گرفتند و مظهر آیه مبارکه والسلام  
 علی یوم ولدت و یوم اموت و یوم البعث حیا شدند طوبی له ثم طوبی  
 له ببری له ثم ببری له رب ورجائی و ملجئ و ملاذی هذا افنون من  
 افغان شجرة رحمانیک و فرع من فروع سدره ربانیک قد حترقت  
 کبد من نار الفراق و هزته نسائم الاشتیاق حتی تأججت نيران الاشواق  
 بین الضلوع والاششاء و ابتهل الی ملکوتک الاهی رب ارجئ لی  
 و نجی من ودة النوی و شدة الجوی و ورطة الاهی بفضلک وجودک

یا جمال الاعلی و رب الآخرة والا ولی و ادرکنی ادرکنی و فی جوارحک  
 استکنی و من موائد لقاک ارزقنی و من موائد غایتک اعظمنی و برح  
 مشاهدتک احیینی و بنور و صلک نورانی و من کاس البقاء فی ساقه  
 اللقا، استقنی و من نعمات طیور القدس فاسمعنی رب اجب عائی  
 و استجب مسئو له و یتر له امره و اشرح صدره و نور وجهه و افرح  
 قلبه و ستر روحه بر رحمتک الکبری و فضلک و جودک یا من بیدک ملکوت  
 الاشیاء، اکت انت الفضل المتعالی الکریم ع ع برهم

۵۲۲

هو الا بے

ای اقنون مشعب از سدره الیه جلک الله خضر انضرا ربطا طریبا  
 مژهر اشهر این جهان ترابی هر چند نزد نادانان وسیع و دلگشا است  
 لکن فی الحقیقه بسی تنگ و تاریک است شرابش سرابست و غیش  
 عذاب شدش فطش است و حیاتش فمات معجل راحت و سرورش  
 دمیت و دریای پر نروزش عبارت از شبی بقی تنگ است  
 که گیاه ضعیف ریشه ندواند و حتی مرغ حقیر لانه و آشیانه نتواند لهذا

افغان سر دره مبارکه باید انشاء الله در فردوس الی قدی بفرارند و در  
 حقیقه بقا سبز و خرم گردند و با ثمار و له و جذب و اشتغال مزین گردند  
 در انجمن دوسستان شمع فروزان باشند و در مجامع تقدیس و شبتان  
 توحید مشعلی سوزان ای افغان شجره مبارکه شما مطالع آیات رب  
 مجید و مشارق انوار رب فرید سرو بوستان غایتید و گل گلستان  
 سلطان احدیت لالی اصداف عزت قدیمه اید و جواهر معادن  
 حضرت وحدانیت باید در جمیع احیان از افق امکان کوکب لامع  
 باشید و ستاره هدایت ساطع آن فضل ربکم علیکم عظیم عظیم  
 و البصاء علیک ع ع

هو الی

۶۳۴

اینها الورقة المبارکه حضرت فرع شجره رحمانیه اقامیرزا عبدالوہاب  
 در بقعه مبارکه بزیارت عقبه مقدسه مشرف و فائز است و بقبضه ملا  
 ساجد و راکع و در جمیع اوقات بیاد شما مشغول و بذكر شما بالوف  
 میوارم که من بعد شما نیز مشرف گردی الحمد لله ان شاء الله مقدسه نسبت  
 و در ظل

۵۰۸  
و در ظل عصمت فرع دوحه مبارکه طيبة الهية و مؤمنه و موقنه وثابته  
و راسخه فاشکری الله على هذا الفضل العظيم ع ع ع ریم

۵۳۵

هو الله

اینا الفرع الخیب من التدررة الرحمانية در کمال استعجل و کمال

مراقوم میشود نفوس مقدسی در نیریز مدف سهام درندگان

خونریز گردیدند و در سبیل فدا جام لبریز نوشیدند و بختها آرزو

مقربین رسیدند ولی باز ماندگان بی سرو سامان و آوارگان

نیریز در سر و استان در نهایت احتیاج لهذا بقدر هزار تومان

و کسری تدبیر شد و از باد کوبه نزد آنحضرت ارسال خواهند داشت

بوصول حواله بشیراز دهید که تاخیر نشود صد تومان

از اینوجه تعلق بجناب عند لیب دارد تسلیم این

نمایند و مابقی تعلق ببا ز ماندگان شهدا

و آوارگان نیریز دارد و علیک

البهاء الابی ع ع ع



حضرت افان شجره مبارکه جناب حاجی میرزا محمد علی علیه بہاۃ

الابی ملاحظہ نمایند

هو الابی

۵۳۶

نظر مبارک

ایہا الفرع الرافع المنعجب من سدرۃ المنتہی علیک بہاء اللہ وثناء  
ونورہ و ضیاء و فضلہ و جودہ و علانہ قد تلوت ماناجیت بہ ربک  
المجید و تضرعت الی مولاک القدیم و اہتلت الی ساحہ قدس  
محبوبک العظیم و رملت آیات شوقک و الواح انجذابک و سمعت  
انینک و حنینک شوقاً الی لقاء ربک و توقاً الی الملكوت الابی فنیئاً  
لک بما ثبت علی امر اللہ و استقیمت علی حبہ و ریحتم قدماک فی  
موقف الترجفۃ الکبری و الترادفۃ العظمی اذ ترزلت ارکان الارض  
و السماء و زلت اقدام اولی النہی و انقصمت ظہور الفحول من  
شدائد الامتن و قوۃ الافتتان من وقوع المصیبۃ الہیاء  
السماء العمیاء اذاً ایہا الفرع المجید فاحفظ اجباء اللہ و اوداءہ

لوتہف

۵۱۸  
 بونمت فراش شباهت اهل البیان حول سراج قلوبهم ليجترق جآ  
 وان یسرق السمع شیا طینهم فلتکن نفحات قلوب احباء الله و انوار  
 اسرارهم شهاباً ثاقبة نظردهم و تنفزع الی الملكوت الابی ان یحشر  
 الموحدين فی هذه الايام تحت لواء الاستقامة الکبری والثبوت والرسوخ  
 علی امراته و یجعلهم مطالع ذکره و مشارق نوره و مظاهر برمانه و یطهر  
 الهامه حتی یتوزا الامکان بانوار وجوههم و یشتغل قلب الاکوان  
 بآرجمهم و ینجذب ارواح الوجود من شوقهم و توقم لعمراتیه تهتل  
 وجه السماء بوجد هولاء و یصبح وجه الغبراء جنة الابی بوجه هولاء  
 و صلی اللهم علی شجرة وحدانیتک و اغصانها و افنانها و اوراقها و ازهارها  
 و اثمارها بدوام سلطانک العظمی اکب انت المقدر القدير  
 ع ع ع

هو الابی

و تقول ایران در بیست و چند نفس مجهولی خیال رخنه در امراته دارند افان  
 سده مفتی منظر آیه مبارکه و قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان

زهوقاً محمده هستند لکن مع ذلک در جمیع هندوستان باید موطوب  
 بود که دسائس و حیل و خداع اینخرب تأثیر ننماید در اسلامبول چند نفر  
 بیروپا بودند جناب افغان اقا سید احمد را بسیار اذیت نمودند چون  
 جناب اقا سید احمد مظلوم بودند نهایت فساد را از جمیع جهات در حق  
 ایشان از طعن و افترا و تحریک الواط و جبال و ظلام نمودند حال در  
 بمبئی و سائر بلاد هند نیز چون دستی پیدا نمایند با انواع دسائس بقتنه  
 و فساد مشغول خواهند شد لهذا حضرات افغان سدره مبارکه در جمیع  
 اوقات باید متنبه و بیدار باشند که این ضرب بمفتریات و شبهات  
 و القآت خویش رخنه ننمایند آنچه ارسال فرموده بودید رسید  
 والباء، والروح علیکم یا افغان سدره المنتقی

هو الابی

حضرت فرع جلیل شجره مبارکه جناب حاجی میرزا محمد علی علیه‌السلام، ملا خطه‌نما

هو الابی

۵۳۷

اینها الفرع الجلیل من السدره الرحمانیه در چندی پیش در تغزیت فرع شجره  
 مبارکه

مبارک که نامه مرقوم و ارسال گردید امید از فضل و مواهب رب  
 مجید چنان است که بنفحات قدس از ملکوت ابی ستی در این مصیبت  
 غظلی حاصل گردد و چنان رواج رحمانیه اصل شجره مبارکه مشام آنفرع  
 جلیل را معطر دارد که این فراق بخاطر نیاید فقرب بفضل وجود سلطان  
 وجود کل در آن ظل مدود و مقام محمود جمع شویم و در ملکوت ابی  
 وافی اعلی و حدیقه بقا در جوار ملک اسماء روحی لا تجاء الله  
 انجمن انیم رب قرب یوم لقاءک و عجل فی صعودی و وفودی علی  
 باب رحمانیتک و ورودی فی ملکوت فردانیتک و ارزقی مشاده جاک  
 و متغنی بوصالک انک انت الکریم الرحیم بحضرت فرع شجره مبارکه  
 جناب اقا میرزا آقا علیه بآاته الابی امر بفرمایند که بقدر امکان اعانت  
 بجناب غدلیب علیه بآاته الابی بفرمایند چه که بسیار پریشانست  
 و معاونت مقبول درگاه بکریاء غ ع

صندوقهای چای مذاق و مشام ده ستاز شیرین و معطر نمود و میوه چین  
 هم آتش نایان شیرین کرد در نزد امورین عثمانین بسیار صبه نموده متصرف

نوازش کرده اگر چنانچه بسوالت <sup>۵۱۲</sup> ممکن قدری ارسال شود مفایده

هو الله

زیارت حضرت فرع جلیل سدره منقی الذی طار روحه الی ملکوت

الاهی جناب حاجی میرزا محمد علی افغان علیه بها، الله الاهی

هو الاهی

۵۴۸

ایا نفحات الله تنسی ایا نفحات الله تنسی. واقصدی ديار الطرف  
القبلى ارضا فيها توارت نفس نفث فی روعه روح من الله وتضمنت  
هیکل حشر تحت رایة الله وقلبا انجذب بنفحات الله واحشاء واضالع  
تغریت بینها نار محبت الله وحتی ذلک القبر المنور والرأس الطاهر  
المنشر وقولی النور الساطع من الافق الاعلی والشعاع اللامع من  
ملکوت الاهی جلت ضربیک المعطر وسطع فوق رمک المعنبر و  
تأبعت طبقات النور من شمس الظهور بالترؤل علی بقعة تنورت  
بجهدک وتضمنت حبک واحتوت بسیکاک الزکی الطاهر المجتلی الکریم  
المظلل بغمام الباطن ربک الرحمن الرحیم طوبی لدار اعتربت  
فیها

فیہا و بشری لبقاع اقتربت الیہا و یا شرفا لارض تواریت فیہا و غراً  
 لبقعة اختفیت فیہا علیک بہا، اللہ و رحمۃ و رزق اللہ عنک و شک  
 بموہبتہ و اراج روحک بنفحات فاحت من ریاض احدیتہ  
 و الالح و جہک فی حدائق رحمانیتہ و تنور بصرک بمشادۃ جمال  
 ہویتہ و سماع اذناک من احسان طہور القدس الصادقہ فی فردوس  
 رؤیتہ علی سدرۃ فردانیتہ بما سمعت الذاء واجبت الدعاء و لبیت  
 لربک الاعلی و خضعت لسلطۃ محبوبک الابی و اشقلت بنار حبتہ  
 و توکلت علی اللہ و احترقت بنیران الہجران و لطفی المجرمان حتی رجبت الی  
 و توہبت الیہ و استجرت جوار رحمۃ الکبری کل ذلک بما وفیت بمیثاقہ  
 و ثبت و رشح قدماک علی عہد اللہ و النجیۃ و السلام و الثناء علیک  
 فی الال و الی و الاخری ع ع منافیۃ

ہو اللہ

ہسکانک حضرت افغان جناب حاجی میرزا بزرگ علیہ

بہا، اللہ الابی ملاحظہ فرمائید



اللهم يا الهی هذا فرع نخيل نصير اخضر ریان من سدرۃ فردائیک  
 رشیق انیق مزین بازمار الیام فی جال وحدائیک والغرام فی  
 محبوبیک ومتوجه بجلۃ الیک ومتوکل علیک ومنقاد بین یدیک و  
 راجع منک الیک ومبتهل الی ملکوتک الابی وجبروتک الاهی  
 اسئلک ان تجعل ثانیۃ الیک العظمی کاشف غمۃ وشفاء حلتہ ورواۃ  
 غلتہ وبرد لوعۃ وان تجعل الطافک الکبری عذب فراتہ وروح  
 نجاتہ وروح حیاتہ وحیات رفاتہ فاجعله یا الهی آیۃ حبک الباهر  
 وراۃ معرقک المخافۃ المرافۃ وطلبۃ قدرک الشاہرہ واجعله  
 ناطقاً بک فی جمیع الشئون حتی یدل علیک بسانہ وجانہ  
 وارکانہ هذا الافون الذی انبتہ من شجرۃ وحدائیک انک انت  
 المعطی الرؤف الرحیم ع ع ع

حضرت افغان سدرہ منتهی جناب آقا میرزا آقا علیہ بہائم

۵۱۶  
الا ہی ملاحظہ نمایند

ہو الالبی

۵۴۰

بسم اللہ

ایہا الفرع ارفع من السدرۃ المبارکہ ہر چند مکاتیب متعدّدہ آنجا  
ارسال گشتہ است باوجود این قلب سکون ندارد بلکہ منجبت  
نفحات محبت کلیتہ باقان سدرہ مبارکہ است بقسمیکہ در کل  
اوقات و ساعات بذکرشان روح و ریحان جوید و یادشان شادمان گردد  
قسم بحال قدم کہ چون لفظ اقان بر زبان گذرد دریای حب یخوش آید و قلوب  
در حرکت و خروش آید کہ خدا یا این اقان دوحہ رحمانیت را در جنت رضوان  
مستقر گردان و این فروع طوبای غایت را اشجار بارور کن این نہاگا  
بوستان بویبت را بشو و نمائی بخش و این شاخہای سرور حمانی را بسری و  
خرقی عطا فرما و بر عہد و میثاق عظمت باقی و استوار مدار انک انت الکریم

ع ع مقابله

ہو الالبی

ش حضرت اقان جناب اقا میرزا آقا علیہ نباء و اللہ الا

هو الاهی

اینها الفرع الرفیع من الشجرة المبارکة نقات حمامه حدیقه ذکر که بر شاخار  
 ریاض ایقان نمود بسبع مشتاقان رسید از آن لحن بدیع جذب لطیفی در  
 قلوب پیدا گشت و از آن ریاض نفحه خوشی در مشام آمد سان بشکر جمال  
 رحمان مشغول شد که انعمه آن فرع طری لطیف از فیوضات غمام الطاف  
 رب جلیل مستز و محضه است و منظر آیه مبارکه و انبه نبأ سنأ ای فرع  
 لطیف شکر کن جمال مبین و بناء عظیم را که از فروع سدره منتهی استی و در ظل عتات  
 جمال انبی جہدی کن که در این حدائق مواعبت الہی بطراوت و لطافتی موفقی  
 گردی که زینت این ریاض باشی و مواعبت این غیاض از نقحات قدس  
 متحرک گردی و از جذبات انس متمائل مستم از اصل کریم باشی و  
 مستفیض از غمام مبین ذلک خیر لک عما فی الوجود من الغیب و اشہود

و ابہاء علیک و علی الممتکین

باجل المتین ع ع بسم اللہ

هو الاهی